

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

عقلانیت سیاسی و رفع تشنج‌های اجتماعی

جنبه‌های مبهم و دورنمای غبارآلود معامله اخیر

جنگ باطل نیابتی در جغرافیای تشنج‌زا

اولویت‌ها و چالش‌های فرا راه تحولات افغانستان
زد و خورده‌های غیرقابل کنترل و پیش‌بینی نشده
بنیاد حقوقی درگیری‌های مسلحانه در کشور
زیرپوست دروغ چه حقایقی نهفته می‌باشد؟

عقلانیت یا خردورزی در فلسفه یونانی، به بکارگیری عقل و خرد به منظور حصول شناخت اطلاق می‌گردد که در مقابل مفاهیمی چون تجربه‌گرایی یا اصالت حس قرآمی گیرد. عقلانیت، ویژگی یا حالت معقول بودن بر مبنای حقایق یا عقل و منطق می‌باشد. عقلانیت دارای معانی متفاوتی می‌باشد. فرد بمنظور تعیین و مشخص نمودن اینکه چه رفتاری منطقی‌تر است، باید چند فرضیه اصلی را ارائه نماید. بگونه خلاصه، تدوین فرضیه‌های پیشینه، مدلی است که عقلانیت در آن اعمال می‌شود. فراموش خاطر ما نگردد که عقلانیت را نباید بدون فرضیه‌های مدل پیشینه که نحوه شکل‌گیری و تدوین مسأله را توصیف می‌نماید، مدنظر قرار دهیم.

در شرایط و وضعیت کنونی، همه، فرآیند‌های جهانی شدن را تجربه می‌نمایند. بگفته دیگر، در حال حاضر، دنیای هستی دستخوش جهانی شدن است. در شرایط تکوین تحولات جامعه جهانی و برپایی سیستم نوین روابط بین‌الدول، این زد و خوردهای منطقی است که در صدر توجه قرار می‌گیرد. جهانی‌سازی اقتصاد و وابستگی متقابل جهان بگونه‌ای افزایش یافته که چگونگی اوضاع و وضعیت یک منطقه بر کل اوضاع جهان تأثیرگذار می‌باشد. در شرایط و وضعیت اینچنینی، زد و خوردها و ضد و نقیض‌گویی‌های منطقی، بُعد جهانی بخود اختیار نموده و بگونه‌ای بر وضعیت جهانی بمتابجه یک کل اثر می‌گذارد. بسخن دیگر، چگونگی وضعیت جهان، از بسیاری جهات با زد و خوردهای منطقی ارتباط مستقیم دارد.

مسأله متذکره قابل توجه بوده و قبل از همه در زمینه انتخاب و گزینش رهبران و تفکیک افراد در سازمان‌های بین‌المللی و اینکه به چه نحوه‌ای گروه‌ها و دسته‌بندی‌هایی که در کشورهای دیگر از رهگذر نظامی، مادی و بشری از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشند، در اولویت قرار گرفته و از آنها در درگیریها استفاده ابزاری بعمل می‌آید.

علاوه بر آن، در شرایط و وضعیت کنونی کشور، بیش از همه باید به روند صلح و مصالحه اندیشید و کلیه هم و توجه بایست بامر متذکره معطوف گردد. در کشور عزیز ما، چهاردهه از درگیریها و تقابل و رویارویی‌های تباها کننده مسلحانه سپری می‌گردد. بویژه دوده‌ه پسین، نبردها میان قوت‌های مسلح کشور و "طالب"ها که قبل بر این بخش‌هایی از مناطق کشور را در تصرف داشته و اکنون در شهرهای بزرگ بنمایش قدرت می‌پردازند، تداوم داشته و از انسان‌های میهن‌بلاکشیده ما همچنان قربانی می‌گیرد.

اما در ایام پسین، این جنگجویان "دولت اسلامی" اند که سرانگریبان تشکیل دهنده ها و سازماندهنده های خویش در آورده و به تشدید عملکردها و انجام فعالیت های تروریستی خویش مبادرت می ورزند. نیروهای امنیتی کشور، عملیات های وسیع و همه جانبه ای را بمنظور مبارزه باتروریزم بمفهوم وسیع کلمه براه انداخته که در زمینه به مؤفقیت های چشمگیری نیز نایل گردیده اند.

قابل یادآوری می باشد که طی ماهای پسین، همه شاهد ازدیاد و افزایش بیش از پیش حملات تروریستی بمفهوم وسیع کلمه (از جمله فقط دو روز پس از ختم موعد کاهش خشونت) و تشدید حملات "طالب" ها علیه قوای مسلح کشور بودیم که در نتیجه با پادرمیانی هواپیماهای ناتو و انجام عملیات، به حملات یادشده پاسخ گفته شد. بایست یادآور شد که در وضعیت کنونی با وجود سطح نازل و ناکافی آموزش نظامی نیروهای امنیتی کشور و بدون سهمگیری و شرکت نظامیان ایالات متحده و هم پیمانانش، مبارزه فعال و قهرمانانه ای را علیه عوامل و موارد تروریستی در اراضی کشور انجام می دهند، با وجود آنهم تشنج در محلات، بویژه در ایام پسین بیش از پیش گسترش حاصل نموده است.

بخاطر باید داشت که در مورد ضرورت انجام مذاکرات صلح با مخالفان مسلح در کشور، از اوایل سال ۱۳۸۵، مباحثی آغاز گردید. طی ماه ثور سال ۱۳۸۹ لویه جرگه صلح باشتراک ۱۶۰۰ تن بنمایندهای از کلیه اقشار، طبقات و گروه های اجتماعی کشور در کابل گشایش یافت. میتوان از تصامیم و فیصله های لویه جرگه یاد شده یکی هم از تاسیس شورای عالی صلح بمتابجه ایجاد و تشکیل یک ساختار جدید بمنظور حمایت از پیشبرد و تداوم مذاکرات صلح را یادآور گردید.

در این اواخر در دوحه پس از مذاکرات و گفتگوهای طولانی مدت، میان ایالات متحده و "طالب" ها موافقتنامه ای که بیشتر مشابه تعامل و معامله ای بین طرف ها پنداشته میشود، بامضاً رسید. آیا می توان تعامل یادشده را مهم و با اهمیت پنداشت و یا در مورد آن ابراز شک و تردید نمود؟

گزارش هایی موجود می باشد که توافق نامه صلح میان ایالات متحده و "طالب" ها توسط مایک پامپیو، وزیر امور خارجه ایالات متحده، اصلن تائید نشده است، توافقنامه ای که بهدفع ختم طولانی ترین جنگ و درگیری ایالات متحده در خارج از اراضی و قلمرو آن کشور عنوان گردیده است. توافقنامه یادشده توسط ملا عبدالغنی برادرو خلیلزاد امضاً و نشانی شد گردید. انتظار برده می شود با اجرای برخی از مواد توافقنامه، قوت های نظامی خارجی بگونه تدریجی و طی مدت زمان ۱۴ ماه، اراضی کشور ما را ترک نمایند. در آغاز معامله یاد شده، اهمیت مذاکره و گفتگوها میان افغانها مطرح بحث قرار گرفته، آزادی زندانیان هر دو جانب و قطع آتش مطرح بحث قرار داده شد. مطابق اظهارات وزیر دفاع ایالات متحده، این تنها آغاز امر می باشد. بگفته وی، اما تداوم مسیر پیشرو و آتی آنقدرها هم سهل و ساده نخواهد بود.

وزیر امور خارجه ایالات متحده، شخصن از امضاً نمودن دریای توافقنامه صلح آن کشور با "طالب" ها امتناع ورزید. دلیل ابورزیدن نامبرده، ناشی از عدم اعتماد دیپلوماسی و اشنگتن به "طالب" ها محسوب گردیده است. قبل بر این نیز عده ای از دیپلومات های بلند پایه ای که در بخشهایی از سفارت ایالات متحده در کشور ما اجرای وظیفه نموده اند، طی نامه سرگشاده ای از خروج کامل قوت های نظامی خارجی از افغانستان و آغاز جنگهای داخلی هشدار داده بودند. تا آنجا که با پایان یافتن معامله و جور آمد میان فرستاده ویژه وزارت امور خارجه ایالات متحده و گروه "طالب" های مستقر در قطر، در سلسله مراتب سیاسی امریکایی سبب تقویت ارزیابی های انتقادی گردید. بنا بگفته بسیاری از دیپلومات ها، خودداری مایک پامپیو از امضای توافقنامه یادشده با "طالب" ها بمنظور رهایی از جنگ وزد و خوردهای ۱۹ ساله آن کشور در افغانستان، نشانه و گواه روشنی از خطرناک بودن پیمان و معامله یادشده بحساب می آید.

طبق گزارش های وسایل اطلاعات جمعی، متن اصلی توافق میان ایالات متحده و "طالب" ها طی ماه سنبله سال روان به تصویب رسید. پس از آن، نماینده ویژه وزارت خارجه ایالات متحده وارد کابل شده و در مورد چگونگی آشنایی توافقنامه یادشده با اشرف غنی و عبدالله دیدار نمود. مارک اسپر، وزیر دفاع ایالات متحده نیز در مورد طرح توافقنامه دونالد ترامپ با "طالب" ها، مقامات دولتی در کابل را در جریان قضایا قرار داد. مطابق اطلاعات داده شده، با امضای توافقنامه یادشده، و اشنگتن بتعداد ۵۴۰۰ تن از نظامیان آن کشور را از پنج پایگاه نظامی آن کشور طی مدت زمان ۱۳۵ روز بخانه بازمی گرداند.

اما باوجود آنهمه، در طرح توافقنامه ایالات متحده - "طالب" ها، بخش ها و موارد قابل تفسیر نیز موجود می باشد.

قبل از همه، از عدم موجودیت تضمین لازم از تداوم مبارزه ایالات متحده علیه "القاعده" باید یادآور شد. هیچگونه تضمینی در مورد قطع آتش بمنظور نایل گردیدن به صلح در کشور، اصلن موجود نمی باشد. مطابق اظهارات یکتن از مقامات دیپلوماتیک، همه مسایل گفته آمده، صرف بر بنیاد امیدواری ها و آرومندی ها قرار دارد. نامبرده همچنان متذکر گردید که هیچگونه سابقه اعتماد بر "طالب" ها و هیچ نوع مدرکی دال بر اخلاص "طالب" ها، اصلن موجود نمی باشد. همچنان، پیام های موجود "طالب" ها، نشاندهنده این واقعیت پنداشته می شود که آنها فکر می نمایند ایالات متحده را فریب داده اند. ممکن مسأله فوق سبب گردید تا مایک پامپیو از امضای درپای چنین معامله ای خودداری بعمل آورد.

بر بنیاد اطلاعات و خبرهای بنشر رسیده توسط وسایل اطلاعات جمعی، "طالب" ها از مایک پامپیو تقاضا بعمل آوردند تا درپای توافقنامه با "امارت اسلامی افغانستان" امضای نموده و بآن صحنه گذارد که با چنین اقدامی، در عمل بمثابه برسمیت شناختن ساختار سیاسی "طالب" ها محسوب می گردید. بنابر همین دلیل، نامبرده از امضای سند یادشده امتناع ورزید. اما دفتر مایک پامپیو از اظهار نظر در مورد، خودداری بعمل آورد. تاکنون مشخص نیست که وزیر خارجه ایالات متحده، چگونه عدم توافقش با معامله حاضر را توجیه می نماید. چنین اظهار نظرهایی نیز موجود می باشد که مایک پامپیو تحت فشار فزاینده دونالد ترامپ قرار گرفت تا به چنین معامله ای تن داده و درپای توافقنامه امضای نماید، اما چنین نشد و در نتیجه، نماینده ویژه وزارت خارجه ایالات متحده و ملاً برادر از دفتر سیاسی "طالب" ها در قطر، موافقتنامه و تعامل یادشده را امضای نموده و بآن صحنه گذاشتند. بخاطر باید داشت که موارد اینچنینی در روابط بین الدول بندرت اتفاق نیافتاده و از امکان بعید بنظر نمی رسد که مخالفت وزیر خارجه ایالات متحده با توافق حاصله با "طالب" ها، سبب کنار رفتن نامبرده از پست وزارت یادشده گردد.

بنظر بسیاری از دست اندرکاران امور مربوط به کشور عزیز ما، گزینه های دیگری بمنظور تکمیل طرح یاد شده نیز موجود بود. گزینه نخست، امضای توافقنامه توسط نماینده ویژه وزارت خارجه ایالات متحده و "طالب" ها و گزینه بعدی هم توافق نبسته ناشده میان طرف ها و انجام معامله ای در مورد تأمین صلح و قطع آتش در افغانستان. اما شاهد بودیم که با نشر اعلامیه مشترک، گزینه نخست از قوه بفعال مبدل گردیده و از جانب ایالات متحده، نماینده ویژه وزارت خارجه آن کشور، توافقنامه یادشده را با طرف "طالب" ها امضای نمود. بنظر میرسد در واشنگتن، در مورد اینکه چه کسی مسؤلیت امضای توافق با "طالب" را بر عهده خواهد گرفت، معضلات جدی عرض اندام نمود. همزمان با آن، بسیاری از نهادهای موجود و شخصیت های مطرح در جامعه امریکایی، مخالف ستراتیژی تهیه شده وزارت خارجه آن کشور و برنامه های دونالد ترامپ بوده و بر آن انتقاد می نمایند. اما باید خاطر نشان نمود که معامله اخیر ایالات متحده - "طالب" ها بمنظور خاتمه بخشیدن عملیات نظامی و خروج قوت های جنگی ایالات متحده از افغانستان با نخستین مانع مواجه گردید و آن اینکه درست دو روز پس از امضای توافقنامه، اشرف غنی بصراحت اظهار نمود که اجازه آزادی جنگجویان زندانیان موجود در زندان های کشور، صرف مسؤلیت و صلاحیت خود افغان ها می باشد. تاکنون بهیچ مرجع مربوط در مورد آزادی زندانیان دستورویا هدایتی نداده است که چنین امر و چنین موضعگیری، ممکن منجر بحرکت های تند و سریعی از جانب نماینده های دولت در مورد گردد که تکوین وضعیت اینچنینی اصلن به صلاح نمی باشد.

طرح اداره ترامپ در مورد حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور ما بر بنیاد مذاکرات آتی بین افغانی طی اواسط ماه مارچ سال روان در اسلو پیشبینی شده است. قرار است روند بعدی تماس ها میان دولت افغانستان و "طالب" ها در ماه مارچ در اسلو صورت عملی بخود اختیار نماید. چنین طرحی نیز موجود بود تا مطابق تعامل ایالات متحده - "طالب" ها، از تعداد مجموعی زندانیان "طالب" ها بتعداد ۵ هزارتن زندانی آنها که در زندان های افغانستان محبوس میباشند، بمنظور ایجاد حسن نیت، از زندان آزاد گردیده و در مقابل، "طالب" ها نیز به رها بی یکهزارتن از نظامیانی که نزد آنها محبوس می باشند، مبادرت ورزند. یعنی تبادل زندانیان صورت گیرد. نامبرده ادامه داده افزود که آزادی زندانیان نباید بمثابه پیش شرط مذاکرات مطرح بحث باشد، بلکه موضوع یادشده باید بمثابه بخشی از مذاکرات پذیرفته شود.

نباید فراموش نمود که تبادل زندانیان بخودی خود، بمثابه تحکیم اعتماد متقابل بویژه در آستانه ملاقات و گفتگو های مطرح محسوب گردیده و در نوع خود، تعیین کننده تداوم پروسه مصالحه و مشخص نمودن نقش "طالب" ها در ساختار بعدی قدرت در کشور می باشد.

چرخش اینچینی وقایع و انکشاف اوضاع ممکن به مزاج وزیر خارجه ایالات متحده برابر نباشد. پس از اینهمه، اما ترامپ از طریق تلویزیون کشورش، موافقه حاصله را تاریخی نامیده و اضافه نمود که این امیدواری وجود دارد تا مذاکرات بین افغانی، مذاکراتی که طی مدت بیشتر از دوده از آن خبری نبود، آغاز گردیده و به نتایج دلخواه مذاکره کننده ها منتج گردد.

قابل تذکره میباشد که جدول زمانی خروج قوت های نظامی امریکایی طی مدت زمان ۱۴ ماه، هسته و مرکز ثقل توافقنامه یادشده را تشکیل میدهد. در پروسه مذاکرات بمنظور حصول این تعامل و معامله و همچنان در امضای توافق حاصله، دولت افغانستان اصلن از نقشی برخوردار نبوده و اما با وجود آنهم، پرسش های بیشماری را در مورد جهات و بخش های مبهم و گنگ توافقنامه حاصله مطرح نمود. در این ارتباط می توان از چگونگی سرنوشت زندانیان یادآور شد. مطابق آمار و ارقام ارائه شده، بتعداد ۱۵ هزار تن از جنگجویان آن گروه در زندان های مربوط به دولت مرکزی افغانستان محبوس می باشند. رهبران جنبش یادشده به قوماندان های محلی اطمینان داده اند که عده ای از محبوسان آنها مطابق معامله ای که با امریکایی ها انجام پذیرفته، از زندان آزاد خواهند گردید. اما غنی طی مصاحبه ای با سی.ان.ان اظهار نمود که ترامپ از نامبرده تقاضای آزادی زندانیان را ننموده و ادامه داده افزود که مسأله آزادی زندانیان بمثابه پیش شرط مذاکرات پذیرفته نشده، بلکه در جریان مذاکرات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

همه، باین واقعیت صحه می گذارند که اشرف غنی بگونه مشتاقانه در صدد آن است تا وضعیت بگونه ای شکل گیرد که تمامی جوانب خودی و خارجی، نامبرده را رئیس جمهور قانونی افغانستان محسوب نموده و تنها او را بمثابه نماینده واقعی مردم افغانستان بپذیرند. چنین کاری عملن مشکل بنظر می رسد، چه امریکایی ها با چنین وضعیتی، روابط شان را هم با بخشی از نیروهای سیاسی کشور ما و همچنان مناسبات شان را با "طالب" ها خراب و ویران خواهند نمود. و این برای امریکایی ها به معنایی مبدل گردیده است. پس از اینهمه، ترامپ در پرتو کارزارهای انتخاباتی اش در نظر دارد تا به دستاوردهای حداقلی هم اگر ممکن باشد، دست یابد. اما بنظرمی رسد که نامبرده، شاهد موفقیت های آنچنانی نخواهد بود.

در این مقطع، از جمله پرسشهایی باین شرح مطرح میگردد که آیا توافقنامه اخیر میان ایالات متحده و "طالب" ها بمثابه نخستین گام بمنظور استقرار صلح و تأمین امنیت در کشور ما محسوب می گردد یا مجددن افراط گرآها دستگاه اداری دولت را متصرف گردیده و بر سر نوشت کشور ما حاکم خواهند شد؟ بسیاری از فعالان و دست اندر کاران حقوق بشر باین عقیده اند که در مجموعه "طالب" ها که بویژه طی مدت زمان ۱۸ سال پسین بمنظور به کرسی نشاندن اهداف شان رزمیدند، تغییرات محسوسی بویژه در عرصه چگونگی موقف آنها در قبال حقوق زنان و آزادی های دموکراتیک در جامعه بمفهوم وسیع کلمه بوجود آمده و در موضعگیریهای قبلی شان کوتاه خواهند آمد؟

شایان ذکر است که توافقنامه قطر، بگونه ای با انتقاد غیر منتظره پاکستان نیز مواجه گردید. واقعیت امر اینست که در اعلامیه منتشر شده در کابل توسط جانب افغانی و امریکایی، از این مطلب تذکر بعمل آمده که ایالات متحده بمنظور تسهیل شرایط در زمینه مناسبات و روابط افغانستان و پاکستان کمک ها و معاونت های مورد ضرورت را انجام خواهد داد. اما شاه محمود قریشی، وزیر امور خارجه پاکستان اظهار داشت که مشکلات و معضلات موجود میان افغانستان و پاکستان، بگونه دوجانبه و بر بنیاد حسن همجواری و احترام به حاکمیت ملی هر دو کشور باید حل و فصل گردد، نه بکمک و یاری ایالات متحده.

طرف افغانستان، پاکستان را در خصوص پناه دادن به رهبران "طالب" ها، بویژه پس از فرود آمدن نظامیان امریکایی باراضی کشور ما متهم می نماید، اما جانب پاکستان، اتهامات وارده را همیشه رد نموده و خویش را بمثابه شریک در امر مبارزه ضد تروریستی در منطقه و مبتکر سازماندهی و سربراه نمودن مذاکرات ایالات متحده و "طالب" ها محسوب می نماید.

سیر حوادث بگونه ای که در شرف تکوین است، هر لحظه امکان تغییر موضعگیری ها و موقف های طرف های مطرح در قضایا نیز موجود می باشد.

بسیاری از تصمیمگیری ها در آخرین دقایق، سر نوشت مسایل و موضوعات مورد بحث را تعیین می نماید. حساسیت مسأله را باید درک نمود و بگونه سنجیده شده ای باید گام برداشت. با اقدامات عاجل و زودگذر نباید دل بست.

یکشنبه ۱۸ ماه حوت سال ۱۳۹۸ خورشیدی